

فصلنامه محیط راهبردی

سال چهارم، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۹

مقاله پژوهشی، صفحه ۵۳ تا ۹۶

## بررسی چالش‌های اقتصادی و امنیتی منطقه غرب آسیا با تأکید بر حوزه خلیج فارس

اکبر خزلی<sup>۱</sup>

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۹

### چکیده

هدف از این پژوهش بررسی چالش‌های اقتصادی و امنیتی و ارائه الگوی موازنه در ترتیبات امنیتی منطقه غرب آسیا به‌ویژه حوزه خلیج فارس است. منطقه غرب آسیا و خلیج فارس به علت وجود منابع عظیم انرژی و تنگه هرمز از مناطق مهم استراتژیک جهان هست، لذا در این مقاله سعی بر آن شده تا مسائل امنیتی و اقتصادی منطقه و حوزه خلیج فارس مورد بررسی قرار گیرد، سوال مطرح شده این است که نقش کشورهای منطقه در امنیت منطقه خلیج فارس چگونه است؟ و فرضیه ای هم که در این رابطه مطرح کرده ایم چنین است که ایران به عنوان کشوری که بیشترین مرز آبی را با خلیج فارس دارد نقش امنیتی بسزایی ایجاد می‌کند. در این پژوهش ضمن اشاره به پیمان‌های موجود در این حوزه که عموماً تک بعدی و ناکارآمد هستند، می‌کوشیم تا با ترسیم وضعیت امنیتی حاکم بر منطقه، الگویی مناسب برای ترتیبات امنیتی همه جانبه و فراگیر ارائه دهیم در پایان به این نتیجه خواهیم رسید که خلیج فارس از دیر باز همیشه مورد توجه قدرتهای بزرگ فرا منطقه‌ای بوده بطوری که همیشه از این منطقه به عنوان یک منبع درآمد مناسب استفاده کرده‌اند و ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای می‌تواند نقش بسزایی در امنیت این منطقه استراتژیک جهان ایفا کند.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت، جغرافیای سیاسی، نفت، خلیج فارس، تنگه هرمز، ایران

## مقدمه

موقعیت جغرافیایی منطقه خلیج فارس به گونه ای است که به محور ارتباطی بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوب شرقی تبدیل شده است. بیش از ۶۳ درصد از ذخیره نفت خام و ۴۰ درصد منابع گازی جهان در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس موجود می باشد. در دنیای امروز موقعیتهای استراتژیک جوامع براساس منابع انرژی شان دسته بندی می شوند (sajedi, 2009, 77).

اهمیت ژئوپولتیکی خلیج فارس و کشورهای همجوار در معادلات سیاسی جهان امروز از اهمیت فوق العاده ای برخوردارند، این اهمیت به لحاظ ژئواستراتژی، ژئواکونومیک و ژئوکالچر می باشد.

در حوزه استراتژیک دنیای امروز شاهد چالش های بزرگی است که منطقه خلیج فارس به دلیل اهمیت سوق الجیشی می تواند در تحولات آینده جهان کاملاً اثر گذار باشد. در حوزه اقتصاد وجود ذخایر عظیم نفتی در این حوزه و نیاز روزافزون جهان به این ماده حیاتی بر اهمیت نقش این منطقه بر معادلات سیاسی جهان می افزاید، از طرفی دیگر نوعی خیزش و بیداری ملت های اسلامی که از دهه های پایانی قرن بیستم شروع و تاکنون نیز ادامه دارد خلیج فارس را در کانون این مباحث قرار داده است. مسائل فوق که بخشی از ویژگیهای حیاتی و تأثیر گذار حوزه خلیج فارس بر فرآیندهای جهانی منطقه ای و جهان اسلام به شمار می رود همه در اختیار شش کشور شورای همکاری خلیج فارس به اضافه ایران و عراق است. ترتیبات امنیتی در خلیج فارس از دیرباز مورد توجه بازیگران بین المللی و منطقه ای قرار داشته است. از آنجا که جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین بازیگران در عرصه امنیت خلیج فارس محسوب می شود، هر برنامه ای که در این زمینه طراحی و تدوین شود برای ایران اهمیت ویژه ای دارد. در این پژوهش به دنبال جوابی صحیح برای سوالی است که مطرح می کنیم که نقش ایران در امنیت منطقه خلیج فارس چگونه است؟ و فرضیه ای هم که در این رابطه مطرح کرده ایم چنین است که ایران به عنوان کشوری که بیشترین مرز آبی را با خلیج فارس دارد نقش امنیتی بسزایی ایجاد می کند.

## مفاهیم و اصطلاحات

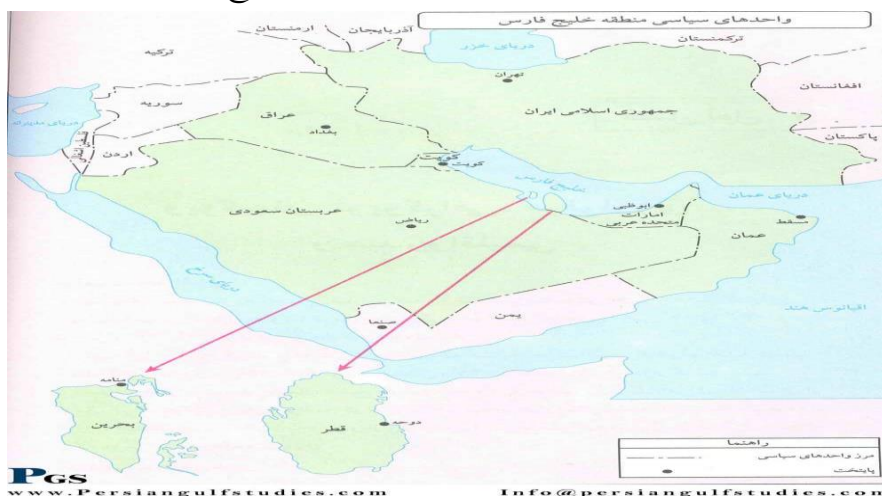
### ژئوپولیتیک

"ژئوپولیتیک" عبارت است از مطالعه روابط قدرت‌ها در سطح جهان بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می‌گذارد و یا امکاناتی که می‌توان از محیط جغرافیایی گرفت. (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۲۳) این واژه برای اولین بار توسط رودلف کیلن، جغرافی‌دان سوئدی که دنباله‌رو راتزل بود در سال ۱۸۹۹ ابداع شد. تعبیر او از این واژه «تأثیر عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملل بود (عزتی، ۱۳۷۲: ۹)

### منطقه خلیج فارس

مفهوم خلیج فارس عبارت است از پیشرفتگی دریا در خشکی است که در حد واسط سرزمین ایران و شبه جزیره عربستان می‌باشد. این دریا از قدیم بین اعراب بحر الفارس نام داشته و در منابع اسلامی بدین نام آمده است. خلیج فارس از مصب اروندرود که خود از پیوستن کارون، دجله و فرات به وجود آمده تا شبه جزیره مُسندَم در عمان امتداد و از طریق دریای عمان با اقیانوس هند ارتباط دارد (الهی، ۱۳۸۴: ۴). منطقه‌ی خلیج فارس از هشت واحد سیاسی شامل: ایران، عراق، عربستان سعودی، قطر، عمان، امارات متحده‌ی عربی، کویت و بحرین تشکیل شده است. این منطقه را می‌توان بر اساس خصلت‌های مشترک و متمایز که الگوی کنش متقابل منطقه‌ای را شکل می‌دهند، یک واحد و منطقه‌ی ژئوپولیتیک بارز در جهان دانست. (زین العابدین، ۱۳۸۵: ۹۶)

## نقشه شماره (۱) - واحد های سیاسی منطقه خلیج فارس



منبع: (روانبخش و پورفیکوئی، ۱۳۹۰: ۹۸)

### جغرافیای سیاسی

تعاریف متعدد و زیادی از جغرافیای سیاسی وجود دارد که به چند مورد از آنها می پردازیم. جغرافیای سیاسی اساساً درگیر تحلیل فضایی پدیده های سیاسی است و به اختصاصات فضایی فرایند سیاسی توجه دارد. (داریسیدل، بلیک، ۱۳۸۶: ۹) جغرافیای سیاسی به تقسیم بندی های سیاسی فضای قابل وصول به یک گروه خاص می پردازد. اگر سطح زمین مانند پوسته صاف توپ پینگ پنگ یکنواخت بود موضوعاتی از قبیل جغرافیای سیاسی و روابط بین الملل وجود نداشت جغرافیای سیاسی به تقسیم بندی های سیاسی در صحنه جغرافیایی می پردازد. جغرافیایی سیاسی مفاهیم چون (کشور و مرز، حکومت و سرزمین، حرکت و روابط میان مرکز و پیرامون، منطقه و دولت) را بررسی می کند. (مجتهد زاده، ۱۳۸۰: ۳۲)

## امنیت:

تعریف فرهنگ‌های لغات از «امنیت»، عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. «امنیت»<sup>۱</sup> همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی، و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت خواه فردی، ملی یا بین‌المللی، در زمره‌ی مسائلی است که انسان با آن مواجه است. امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده است که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می‌کند که فرد و یا گروهی از مردم احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج داشته باشند. (ربیعی، ۱۳۸۳: ۴۳) از سوی دیگر، امنیت پدیده‌ای متأثر از مؤلفه‌های مادی - ذهنی به شمار می‌آید که دیگر چگونان دوران جنگ سرد، نمی‌توان آن را در ذیل ملاحظات نظامی تعریف نمود. (مکین لای، آرلیتل، ۱۳۸۱: ۵۹)

## چالش‌های اقتصادی (نفت و گاز)

امروزه در تمام دنیا تقاضا برای نفت در حال افزایش است چنانچه تا سال ۲۰۱۵ چین به تنهایی مجبور خواهد بود که بیش از ۵ میلیارد بشکه نفت در روز وارد کند که بیشتر آن از منطقه خلیج فارس خواهد بود که منطقه‌ای با ذخایر جهانی نفت با برخوردهای لاینحل میان دولت‌های منطقه و تکثیر تسلیحات و وخیم‌ن‌شدن شرایط سیاسی است. (2000,

kemp)

حدود دو سوم ذخایر اثبات شده نفت و یک سوم ذخائر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارد. تقاضای مستمر برای نفت خلیج فارس به فراوانی آن و به رشد اقتصاد جهانی بستگی دارد. اگر رشد مداوم اقتصادی در آمریکای شمالی، اروپا و آسیا در دهه آینده استمرار یابد جهان با افزایش سریع تقاضا برای انرژی روبرو خواهد شد. افزایش تقاضای آسیا به ویژه کشورهای چین و هند به نفت خلیج فارس یکی از تحولاتی است که در آینده آثار ژئوپلتیکی و اقتصادی نیز خواهد داشت. در صورتی که کشورهای بلوک شرق سابق بتوانند در مدیریت و نظم بخشی به اقتصاد خود موفق

---

<sup>1</sup>Security

شوند، تقاضای انرژی حتی سریع تر از پیش افزایش خواهد یافت. مزیتی که در خصوص انرژی این منطقه وجود دارد، فراوانی نفت و گاز، استخراج با هزینه های کمتر در مقایسه با مخازن نفت در مناطق دیگر و قرار گرفتن در کنار مسیرهای کارآمد و توسعه یافته حمل و نقل جهت دسترسی به بازارهای مختلف می باشد. (کمپ، هارکاو، ۱۳۸۳: ۱۹۰-۱۸۷)

مهم ترین عامل استراتژیک خلیج فارس، وجود منابع عظیم نفت و گاز است، به گونه ای که این منطقه را «مخزن نفت جهان» نام نهاده اند. با وجود تحولات دهه های اخیر و تلاش برای جایگزین کردن انرژی های آب، باد، خورشید، اتم و...، هم چنان نفت به عنوان انرژی برتر و اصلی ترین ماده اولیه تولیدی صنایع، اهمیت خویش را حفظ کرده است و روز به روز بر ارزش آن افزوده می شود. در واقع نفت، «کالای استراتژیک»<sup>۱</sup> به شمار می آید که از راه های گوناگون بر سیاست های جهانی تأثیرگذار است و هر گونه تغییر و تحولی در صادرات آن، پیامدهای یکسانی بر کل جهان دارد و عدم ثبات بهای نفت، تهدیدی جدی است که همواره بازارهای نفتی را با بحران مواجه می کند. نفت در طی قرن بیستم، در حقیقت عامل بسیار مهمی در تحولات نظامی سیاسی و اقتصادی جهان بوده و برای سال های قابل پیش بینی نیز چنین خواهد بود. در این میان منطقه خلیج فارس، به علت تسلط بر ذخایر عظیم و قدرت تولید و توان صادراتی قابل توجه، در حقیقت مرکز این تحولات و وقایع مهم بوده است و هست و تقریباً همه کشورهای جهان، کم و بیش وابسته به این حوزه می باشند و حیاط اقتصادی و نظامی - سیاسی بسیاری از این کشورها، به خصوص کشورهای عتی غرب و ژاپن، به ادامه بی وقفه جریان نفت از حوزه خلیج فارس وابسته است. (همایون الاهی، خلیج فارس و مسایل آن، ص ۱۱۳). بنابراین خلیج فارس از مهم ترین مخازن انرژی جهان به شمار می آید که در تأمین انرژی آینده جهان، نقشی اساسی بر عهده دارد. نیاز روزافزون کارخانجات صنعتی به نفت و غیر قابل جایگزین بودن آن توسط انرژی های دیگر، به منطقه خلیج فارس

<sup>۱</sup>Strategic material

«جایگاه ژئواکونومیکی» خاصی بخشیده است. در واقع، منطقه خلیج فارس افزون بر موقعیت ژئوپولیتیک، موقعیت ژئواکونومیکی نیز دارد و آنچه از همه بر احراز چنین موقعیتی تأثیرگذار بوده، مسأله نفت و گاز است. تحولات نظام بین الملل، بیانگر آن است که در هزاره سوم میلادی، قدرت برتر از آن کسی خواهد بود که بر انرژی جهانی، به ویژه نفت و گاز تسلط یابد و بنابراین، جای تعجب نیست که خلیج فارس به عنوان بزرگ‌ترین مخزن انرژی جهان، کانون توجه جهانی قرار گرفته است. این منطقه، دارای ذخایر نفتی جهانی بسیار بالایی است و از این نظر، برای کشورهای صنعتی شاهرگ حیاتی به شمار می‌آید که چرخه اقتصاد را به گردش در می‌آورد. کشورهای خلیج فارس، ۶۲ درصد از مجموع نفت مصرفی بازارهای جهان را تولید می‌کنند. (لواء فیلی رودباری، کویت (کتاب سبز)، صص ۱۶ و ۱۷). به علاوه، عمق کم این خلیج، امکان بهره‌برداری از منابع نفت همچین منابع دریایی آن را به سهولت و ارزانی فراهم می‌آورد و هزینه‌های پایین استخراج نفت و گاز، توجه کشورهای صنعتی را به خود جلب کرده است. اکتشاف نفت، باعث درآمیختن خلیج فارس با اقتصاد جهانی شده، به ویژه آن که استخراج نفت از این منطقه، بسیار به صرفه‌تر از دیگر مناطق جهان برآورد می‌شود. به طور کلی، عرضه کنندگان نفت در جهان دو گروه هستند: اعضای اوپک و کشورهای غیر اوپک. البته بیش‌ترین تولید، از آن کشورهای عضو اوپک است. که بیش‌تر آن‌ها، از کشورهای حوزه خلیج فارس هستند. تفاوت اصلی میان مخازن کشورهای اوپک و غیر اوپک در این است که دسترسی به مخازن غیر اوپکی‌ها مشکل‌تر است، به ویژه در میان مدت هزینه تولید بیش‌تر می‌شود. در بسیاری از کشورهای غیر اوپک، به دلیل کوچک بودن میادین نفتی و «نسبت کم میانگین تولید»، هزینه تولید بیش‌تر است. (نفت در آستانه قرن ۲۱، سیاست و تعامل نیروهای بازار، ترجمه: داود علمایی، ص ۴۳). با توجه به مطالعات «توماس استوفر»<sup>۱</sup> تحلیلگر آمریکایی نفت، تولید هر بشکه نفت خشکی در ایران، ابوظبی، عراق، کویت و عربستان سعودی، یک

---

<sup>۱</sup> Thomas staufeer

تا چهار دلار هزینه در بر دارد. این رقم که با توجه به بازده چاه برآورد شده، شامل هزینه های اکتشاف، ارزیابی و توسعه و نرخ بازگشتی حدود ده تا پانزده درصد می باشد. در مقابل، این هزینه ها در دریای شمال دوازده تا بیست دلار در هر بشکه، در غرب تگزاس هفده تا نوزده دلار و در کانادا بیش از نوزده دلار می باشد. در عین حال، هزینه ایجاد یک بشکه ظرفیت تولید اضافه، در شش کشور عضو اوپک، در منطقه خلیج فارس (ایران، عربستان، عراق، کویت، امارات متحده عربی و قطر) بسیار کم تر از هر نقطه دیگری در جهان است. برای نمونه، این هزینه در عراق کم تر از پنج هزار دلار در هر بشکه، و در ایران در حدود شش هزار دلار می باشد. در کل، این هزینه در خلیج فارس حدود سه هزار دلار برای هر بشکه ظرفیت تولید اضافی است که در مقایسه با سایر تولید کنندگان اصلی غیر اوپک، نظیر دریای شمال و آمریکای شمالی، بسیار کم تر است. (علی امامی میبدی و مرتضی بهروزی فر، «قدرت اوپک در بازار جهانی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۶۶-۱۶۵، سال ۱۳۸۰، صص ۱۴۶ و ۱۴۷). به علاوه، عمر متوسط ذخایر نفتی کشورهای خلیج فارس، در برخی نقاط به صد سال نیز می رسد؛ در حالی که عمر نفت در دیگر نقاط جهان، متوسط هیجده سال است.

جدول شماره ۱: مقایسه آماری ذخایر هیدروکربوی کشورهای حاشیه خلیج فارس و جهان در سال ۲۰۰۶

کشورهای	ذخایر اثبات	ذخایر اثبات	تولید نفت
	شده نفت (mb) □	شده گاز (bscm) □	خام (1000b/d)
حاشیه خلیج فارس	۷۳۲,۱۵۸	۷۰,۴۲۲	۲۱,۳۳۶,۰
کل اوپک	۹۲۲,۴۸۲	۸۹,۱۹۳	۳۲,۰۷۱,۱
کل جهان	۱,۱۹۵,۳۱۸۲	۱۸۰,۱۹۹	۷۱,۹۹۵,۷
درصد کشورهای حاشیه	۶۱,۲۵	۳۸,۹۲	۲۹,۶۳



خلیج فارس

درصد اوپک	۷۷,۲	۴۹,۳	۴۴,۶۳
-----------	------	------	-------

منبع: (درویشی، نجومی ۱۳۸۶: ۱۷۱).

بر اساس پیش بینی های به عمل آمده، از سال ۲۰۱۰، یگانه تولید کنندگان عمده نفت جهان، کشورهای حاشیه خلیج فارس، به ویژه ایران، عراق و عربستان خواهند بود و به لحاظ ویژگی های منحصر به فرد نفت این منطقه، از جمله هزینه تولید پایین، ظرفیت بالا، کیفیت مطلوب نفت و... روز به روز بر اهمیت آن افزوده می شود. به طور خلاصه به لحاظ ذخایر نفتی، مزیت خلیج فارس در برابر دیگر نقاط جهان، به شرح ذیل است:

الف) منابع نفتی فراوان منطقه (۶۳ درصد کل ذخایر جهان، در کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد).

ب) سهولت استخراج

ج) هزینه تولید پایین (هزینه تولید اوپک، بین یک تا سه دلار در مقایسه با هزینه شش تا ده دلار برای هر بشکه تولید کنندگان غیر اوپک می باشد)

د) مزاد ظرفیت تولید، به طوری که این کشورها، دارای مصرف بسیار محدود بوده و اصولاً جهت صادرات و اقدام به تولید و استخراج نفت می نمایند. کل کشورهای اوپک، دو درصد و کشورهای حوزه خلیج فارس، کم تر از یک درصد مصرف جهانی نفت را دارند.

ه) کیفیت بالای نفت خام منطقه

و) سهولت حمل و نقل

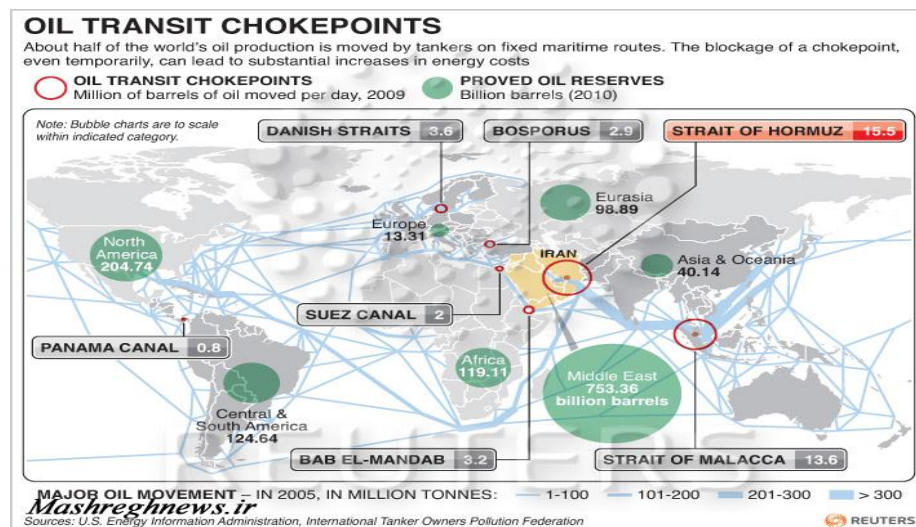
ز) توان تولید زیاد چاه های نفت (در حوزه خلیج فارس، از هر حلقه چاه نفت، حدود ۲۵۰۰۰۰ تن نفت در سال می توان استخراج کرد، در حالی که حجم قابل مقایسه در آمریکا، فقط ۱۰۰۰ تن در سال است)

ح) امکان کشف ذخایر جدید نفتی وسیع در این منطقه، در مقایسه با سایر مناطق

جهان. (همایون الاهی، پیشین، ص ۱۱۷).

مهمترین چالش اصلی در بحث انتقال صادرات نفت در حوزه خلیج فارس تنگه استراتژیک خلیج فارس است. از آنجا که هم کشورهای توسعه یافته و هم کشورهای در حال توسعه به صدور نفت از خلیج فارس وابسته اند و بیش از نیمی از نفت مورد نیاز جهان باید از تنگه هرمز بگذرد، امنیت تنگه هرمز اهمیت بین المللی دارد. پیش بینی می شود که با افزایش ظرفیت گسترده صدور نفت و گاز از این تنگه، منطقه خلیج فارس همچنان بی رقیب بماند (همان، ص ۱۳۹-۱۴۴).

از آنجا که ایران بزرگترین و نیرومندترین کشور خلیج فارس است و بیشترین گستره جغرافیایی و مواضع حفاظتی را در این منطقه دارد، تنگه هرمز برای آن از اهمیت بسیار برخوردار است و در حقیقت دروازه ارتباطی ایران با جهان و منطقه شمرده می شود (همان، ص ۱۳۰). برخی از کشورهای عرب خلیج فارس، از جمله عراق و کویت و عربستان سعودی، در پنجاه سال اخیر برای کاهش وابستگی خود به صادرات نفتی از راه تنگه هرمز، تلاش کردند تا با لوله های نفتی بخشهایی از نفت خود را از راههایی غیر از راه تنگه صادر کنند. این تلاش تا حدودی موفقیت آمیز بود ولی نتوانست از اهمیت سوق الجیشی تنگه هرمز و اهمیت نظارت ایران بر این تنگه بکاهد، بویژه آنکه بسته شدن لوله های نفتی عراق — که از ترکیه و سوریه و عربستان سعودی عبور می کرد — در دهه ۱۳۶۰ ش / ۱۹۹۰، ثابت کرد که تنگه هرمز همچنان امنترین راه صدور نفت و گاز خلیج فارس به بازارهای جهانی است (همان، ص ۱۴۵-۱۴۷). اهمیت سوق الجیشی تنگه هرمز و موقعیت ایران، بر روابط سیاسی ایران با کشورهای صادرکننده نفت و گاز خلیج فارس از یک سو، و با کشورهای مصرف کننده نفت و گاز از سوی دیگر، اثر می گذارد.



نقشه‌های بالا برگرفته خبرگزاری رویترز که توسط سایت خبری تحلیلی مشرق نیوز منتشر گردیده و اهمیت تنگه هرمز و نقش آن رادر امنیت منطقه ای و اقتصاد جهانی نمایان می‌سازد)

### چالش‌های امنیتی حوزه خلیج فارس

خلیج فارس یکی از مناطق راهبردی دنیا محسوب می‌شود. در قرون گذشته استعمار پرتغال با اشراف بر موقعیت استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز، حضور خود را در این

منطقه نفت خیز استحکام بخشید. در سال ۱۵۰۵ امپراطوری دریایی پرتغال ظاهر شد و موفق شدند که برای یکصد سال، سلطه خود را بر خلیج فارس تحمیل کند و امرای هرمز را خراجگزار خودشان قرار دهند. ولی در زمان شاه عباس (۱۶۰۳ میلادی) ایرانیان موفق می شوند، بر بحرین اعاده حاکمیت کنند و در سال ۱۶۱۲ منطقه امروزی امارات را از دست پرتغالیها خارج کنند و به مرور موجب اخراج آنان از منطقه گردند. آلبورک دریادار پرتغالی در این باب آورده است: هر دولتی که بر ۳ تنگه باب المندب، هرمز و مالاکا تسلط داشته باشد بر جهان مسلط خواهد بود. (عباس اقبال . مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس) پس از خروج پرتغالیها، خلیج فارس به دلیل ضعف حکومتهای ایران و درگیریهای داخلی، شاهد حضور و تسلط هلند و سپس استعمار پیر انگلیس در آنجا و نیز تداوم سیاست های دیرینه و استعماری روس های تزاری برای دست یابی به آب های گرم خلیج فارس بوده است که همگی حاکی از اهمیت ویژه و راهبردی آن است. (دکتر سهراب اعظم زنگنه . مروارید خلیج بحرین فارس) یکی از دلایل اهمیت راهبردی خلیج فارس وجود تنگه ی هرمز است. «تنگه ی هرمز» گذرگاهی است هلالی شکل که خلیج فارس را به دریای عمان متصل می کند. این تنگه یکی از مهم ترین تنگه ها در بین یازده تنگه ی مهم دنیاست که برای ابرقدرتها اهمیت اقتصادی و راهبردی زیادی دارد. (لنارت سوشون . محیط ژئو استراتژیک و تحولات منطقه ای پس از جنگ عراق) اهمیت عرض کم تنگه ی هرمز از این جهت است که در طول سه کیلومتر مسافتی که عرض تنگه بین ۲۱ تا ۲۴ مایل دریایی متغیر است، بخشی از عرض آب های ساحلی در کشور ایران و عمان بر روی هم منطبق می شود و بنابراین، در فاصله ی بین آنها دریای آزاد وجود ندارد. همین امر حساسیت ویژه ای را در امر کشتیرانی بین المللی در تنگه ی هرمز ایجاد کرده و مسئولیت سنگین امنیتی را بر دوش این دو کشور و به ویژه ایران نهاده است . به همین دلیل دو کشور ایران و عمان از اهمیت راهبردی و جغرافیایی سیاسی ویژه ای برخوردارند.

دیوید نیوسام، معاون وزیر امور خارجه (وقت) آمریکا، در سال ۱۹۸۰ در یک سخنرانی در دانشگاه «جرج تاون» درباره اهمیت این منطقه چنین گفت: اگر جهان دایره مسطحی باشد و کسی بخواهد مرکز آن را بیابد، به یقین می‌توان گفت که مرکز آن خلیج فارس است... امروزه جایی در جهان به اهمیت این منطقه وجود ندارد که تمامی توجهات را به یک نقطه و با علایقی یک دست، همسان کند. در حال حاضر، برای ادامه ی سلامت اقتصادی و ثبات جهان، جایی به اهمیت این مرکز وجود ندارد. (ناصر تکمیل همایون. اسلام و تداوم نقش فرهنگی ایران در خلیج فارس)

در ماه می سال ۲۰۰۴ میلادی آلن لارسون معاون وزیر امور خارجه در امور اقتصادی، تجارت و کشاورزی با انتشار گزارشی تحت عنوان ژئوپلیتیک نفت و گاز طبیعی اعلام کرد که این امر مسلم در تجارت نفت است که اغلب نفت در کشورهای یافت می‌شود که یا دارای رژیم‌های سیاسی چالش‌زا بوده و یا دارای مشکل در جغرافیای طبیعی هستند که در اینجا می‌توان از منافع حیاتی و استراتژیک ایالات متحده در خلیج فارس، روسیه، حوضه دریای خزر، غرب آفریقا و ونزوئلا نام برد. (Alan Larson, 2004)

خلیج فارس با مساحتی حدود ۲۹۵۰۰ مایل مربع قریب ۶۳ درصد از کل ذخایر نفتی شناخته شده در جهان را در خود جای داده است. در حال حاضر، به رغم اینکه جهان فقط برای حدود ۴۱ درصد از مصارف نفتی خود، به خلیج فارس متکی است، ولی این وضعیت در حال تحول بوده و همان‌گونه که وزارت انرژی ایالات متحده ی آمریکا اعلام کرده است، جهان به زودی برای تأمین ۶۵ درصد نیازهای نفتی خود به خلیج فارس وابسته خواهد شد. این منطقه غیر از نفت، قریب ۳۰ درصد از ذخایر گاز جهان را نیز در خود جای داده که پس از روسیه، دومین منطقه از لحاظ میزان ذخایر گاز در جهان است. این موقعیت استراتژیک بارها و بارها از زبان سیاستمداران دنیا به روشنی بیان شده است. هنری کیسینجر سیاستمدار آمریکایی معتقد است: کشورهای پیشرفته صنعتی به عرضه نفت خلیج

فارس وابسته اند و رادیکالیزه شدن منطقه پیامدهایی را در بر خواهد داشت. (ایرج افشار . نام خلیج فارس) از سوی دیگر ویلیام راجرز وزیر امور خارجه وقت آمریکا در گزارش خود به تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۷۱ اعلام کرد: شبه جزیره عربستان، عراق و ایران بیش از ۶۵٪ ذخایر شناخته شده نفت جهان را در اختیار دارند. استفاده از این ذخایر نفتی در اوضاع مناسب سیاسی و اقتصادی، برای کشورهای متحد ما در آتلانتیک و سایر کشورهای اروپای غربی و ژاپن دارای کمال اهمیت است. (پیروز مجتهد زاده . امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس، ۱۳۸۰، ص ۴۵)

نقطه اوج اعتراف به جایگاه برتر جهانی خلیج فارس، سخنان آیزنهاور رئیس جمهور وقت آمریکا در دهه ۵۰ میلادی می باشد که با اشاره مستقیم به وابستگی شدید اروپا و آمریکا به انرژی خلیج فارس با سخنانی روشن بیان کرد که سقوط خلیج فارس به معنای سقوط اروپا و آمریکا می باشد: «نفت خلیج فارس برای اروپا پیوسته اهمیت بیشتری پیدا کرده است. اقتصاد اروپا در صورت قطع نفت، متلاشی خواهد شد و در نتیجه آن، آمریکا نیز در وضع بسیار دشواری قرار خواهد گرفت.» از این روی تسلط بر خلیج فارس به معنای تسلط بر قلب دنیا می باشد. همین موقعیت استراتژیک موجب گردیده است چشم طمع بسیاری از کشورهای بزرگ دنیا به خلیج فارس، مهد تمدن ایرانیان معطوف گردد. خلیج فارس با منابع طبیعی و معدنی فراوان خود، دیگر تنها به خاطر ایفای نقش ارتباط دهنده یکی بزرگراه تجاری میان شرق و غرب جهان اهمیت ندارد، بلکه در حال حاضر، یکی از دو سر انتهایی در معادلات اقتصادی جهان به شمار می آید. وضعیتی به این مهمی و موقعیتی راهبردی به حساسیت خلیج فارس، برای توازن اقتصادی جهان در آینده، ایجاب می کند تا امنیت این شاهراه مهم از زوایای گوناگون با تاکید بر همکاری کشورهای مشترک المنافع داخلی حوزه خلیج فارس و خروج کشورهای بیگانه مورد بررسی قرار گیرد. خلیج فارس همچنین منطقه ای است که شریان حیات غرب، یعنی نفت از آن عبور می کند. بیش از ۲۵٪ عرضه ی نفت جهان از این منطقه می گذرد. از این رو، این منطقه برای نظام سرمایه داری و در رأس آن آمریکا، حایز اهمیت حیاتی است.

### خلیج فارس به عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای

«مجموعه امنیتی منطقه‌ای» گروهی از کشورها را شامل می‌گردد که وابستگی متقابل امنیتی میان آنان به حدی است که امنیت ملی آنان را نمی‌توان جدا از یکدیگر فرض نمود. (باری بوزان، ۱۳۷۸، ص ۲۱۶).

تعیین و شناخت مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای ناشی از ویژگی‌هایی است که در جهت تشریح و توضیح تعاملات امنیتی دسته‌ای از کشورها بکار می‌رود. باری بوزان نظریه پرداز مجموعه امنیتی منطقه‌ای در جهت شناخت یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای ویژگی‌هایی را لازم و ضروری میدانند. وی بر این باور است که یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای عناصری بدین شرح است:

۱. وجود وابستگی متقابل امنیتی میان اعضا

۲. وجود الگوهای دوستی و دشمنی

۳. نزدیکی و مجاورت جغرافیایی

۴. وجود حداقل دو بازیگر موثر

۵. استقلال نسبی از سایر مجموعه‌ها. (علی عبدالله خانی، ۱۳۸۳، صص ۲۸۲-۲۷۹).

اولین و مهمترین ویژگی برای شناخت یک مجموعه منطقه‌ای، وجود "وابستگی متقابل امنیتی" یا آنگونه که خود بوزان اظهار میدارد وجود احساس تهدید یا ترس متقابل میان دو یا چند دولت مقتدر است. (باری بوزان، پیشین، ص ۲۱۹). این مسئله را میتوان در وجود نگرانیهای عمده امنیتی کشورهای همجوار خلیج فارس جستجو نمود. با این حال وجود این نگرانیها همچنین از جمله عوامل اصلی ایجاد وابستگی متقابل میان اعضای یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای نیز میباشد. این عنصر ویژگی کلیدی در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای است.

دیگر ویژگی یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، وجود الگوهای دوستی و دشمنی است. اما شاید بهتر باشد در جهت تطبیق این ویژگی با منطقه مورد بحث یعنی خلیج فارس، از واژه تعدیل یافته دوستی و سوء تفاهم به جای دشمنی میان کشورهای این منطقه استفاده

نماییم. این ویژگی عمدتاً ناظر بر وجود اختلافات میان کشورهای عضو یک مجموعه امنیتی منطقه ای میباشد. برخی از این اختلافات در حال حاضر به عنوان مثال به اختلافات ارضی و مرزی کشورهای منطقه خلیج فارس اشاره دارد. اختلافات مرزی میان عراق و کویت که در حال حاضر حل شده فرض میشوند، اختلاف عربستان و کویت بر سر جزایر قارو و ام المرادم، اختلاف عربستان سعودی و قطر بر سر برخی نواحی مرزی، اختلاف بحرین و قطر بر سر مجمع الجزایر حواری، اختلاف عربستان سعودی و امارات متحده عربی (ابوظبی) بر سر مناطق بوریمی و لیوا، اختلافات امارات متحده عربی و عمان بر سر نواحی منطقه دība. این اختلافات حتی در پاره ای از مواقع به بروز تنشهای میان دولتهای منطقه نیز منجر گردیده است که از آن جمله برخوردهای مرزی میان عربستان سعودی و قطر در سال ۱۹۹۲ و اختلافات میان بحرین و قطر که از سال ۱۹۹۸ در دیوان بین المللی دادگستری مورد بررسی قرار گرفته است. (پیروز مجتهد زاده. امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس، ۱۳۸۰، صص ۱۳-۱۲). و در نهایت ادعاهای امارات متحده عربی در خصوص جزایر سه گانه ایرانی تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی و در گذشته نیز اختلافات میان ایران و عراق بر سر اروند رود بود که منجر به عقد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر گردید.

اما سومین ویژگی مجموعه امنیتی منطقه ای یعنی مجاورت جغرافیایی محل اختلاف می باشد. هرچند این ویژگی یک عامل لازم در تشکیل یک مجموعه امنیتی منطقه به حساب می آید اما همانگونه که لیک و مورگان (رجوع شود به دیوید ای. لیک و پاتریک ام. مورگان، نظمهای منطقه ای، ۱۳۸۱ صص ۵۴-۵۱). استدلال می کنند دارای اشکال میباشد. بر این اساس ایالات متحده در حال حاضر به عنوان یک قدرت خارجی اما تأثیر گذار بر مجموعه امنیتی منطقه ای در خلیج فارس عمل مینماید در حالیکه از لحاظ جغرافیایی جزء این مجموعه محسوب نمیگردد.

دیگر ویژگی مهم یک مجموعه منطقه ای وجود حداقل دو بازیگر موثر در آن میباشد. ایران، عربستان و عراق از دیرباز از جمله بازیگران مهم و تأثیر گذار در منطقه خلیج فارس



محسوب می‌گردند. بدینگونه ملاحظه می‌گردد که منطقه خلیج فارس تمامی ویژگیها و خصوصیات یک مجموعه امنیتی منطقه ای را در خود دارا می باشد و از این لحاظ اطلاق نام مجموعه امنیتی منطقه ای کاملاً با شرایط منطقه انطباق دارد.

مسئله دیگر در خصوص تهدیدات امنیتی، گستردگی موضوعات امنیتی در سطح منطقه میباشد. اگر امنیت را در شکل موسع آن آنگونه که مورد نظر مکتب کپنهاک میباشد تعریف نماییم، در این صورت ملاحظه می‌گردد که علیرغم وجود برخی تهدیدات امنیتی دائمی در منطقه که از گذشته وجود داشته است، در حال حاضر ضروری است تا به دیگر ابعاد امنیت در سطح منطقه نیز توجه بیشتری گردد. ابعاد اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی نیز علاوه بر ابعاد نظامی و سیاسی به خصوص طی سالهای اخیر در خور توجه بیشتری میباشد. به عنوان مثال بعد زیست محیطی امنیت در منطقه خلیج فارس با توجه به آلودگیهای شدید اکولوژیکی منطقه و تشدید بحران آب در طی سالهای اخیر لزوم توجه بیشتری از سوی کشورهای منطقه را می طلبد. نشت نفت در طول جنگهای خلیج فارس از طریق میدان نفتی نوروز و ورود بیش از ۱۱ میلیون بشکه نفت در جریان حمله عراق به کویت و نیز نشت سالانه ۱/۵ میلیون تن نفت به آبهای خلیج فارس و دریای عمان، تأثیر بسزایی در افزایش آلودگی آبهای خلیج فارس داشته به طوریکه در حال حاضر آلودگی خلیج فارس و دریای عمان ۴۷ بار بیش تر از متوسط جهانی آن است. افزون بر این بررسیهای اخیر نشان داده است که در این دریا، میزان کادمیوم و نیکل هزار برابر، کبالت و روی ۳۰۰ برابر و سرب بیش از ۲۰ هزار برابر بیشتر از آبهای پاک است. از دیگر چالشها و تهدیدات امنیتی در سطح منطقه میتوان به قاچاق مواد مخدر اشاره نمود. این مسئله نیز از جمله نگرانیهای مشترک تمامی کشورهای منطقه به حساب می آید. به خصوص مجاورت مرزی ایران با کشور تولید کننده مواد مخدر یعنی افغانستان، باعث می‌گردد تا سایر کشورهای منطقه نیز از این ناحیه مورد تهدید واقع گردند. بنابراین پاره ای از مسایل و

<sup>۱</sup> فعالیتهای نظامی تهدید کننده محیط زیست خلیج فارس: <http://www.hamshahrionline.ir>

<sup>۲</sup> تنگناهای محیط زیست در خلیج فارس: <http://www.hamshahrionline.ir>

مشکلات دیگر وجود دارند که علیرغم محو شدن در سایه سایر تهدیدات، از جمله مسایل مهم تهدید کننده امنیت ملی کشورهای منطقه به شمار می روند.

بنابراین ملاحظه می‌گردد که با گسترش ابعاد امنیت در منطقه و توجه به سایر ابعاد و چالشهای امنیتی، نگرانیهای امنیتی بیشتری شناسایی می‌گردند که به احتمال زیاد جزء نگرانیهای مشترک تمامی کشورهای منطقه خواهند بود. در حال حاضر در سطح منطقه خلیج فارس تهدیدات بسیاری وجود دارند که جزء نگرانیهای اولیه و مشترک کشورهای منطقه میباشند. این تهدیدات همچنین به عنوان عوامل بی ثبات کننده امنیت در منطقه، به عنوان مانعی در جهت شکل گیری هر گونه نظم امنیتی جدید نیز عمل مینمایند. تهدیدهای فراملی و منازعات میان دولتی، افراط گرایی، جنایات سازمان یافته، پولشویی، تکثیر سلاحهای کشتار جمعی، بلایای بهداشتی و زیست محیطی مانند بحران آب، قاچاق دارو و مهاجرتهای غیرقانونی از جمله این عوامل محسوب می‌گردند.

حضور نیروهای فرامنطقه ای و حمایت از رژیمهای استبدادی حوزه خلیج فارس به بهانه حفظ منافع ملی خود نیز جز نگرانیهای اصلی کشورهای منطقه میباشد. گراهام فولر، قائم مقام سابق شورای امنیت ملی آمریکا این مساله را مطرح می کند که: «بازهم واشنگتن در برابر یک انتخاب سخت قرار گرفته که میراث دهه ها موضع گیری تک سویه آنهاست: تداوم حمایت از رژیم های خود کامه محلی به بهانه نخ نما شدن «منافع امریکا»؟ و حمایت از پایگاه های نظامی که در آنجا مستقر کرده، به هر قیمت و در نتیجه تشدید خشم مردم؟ و یا دست برداشتن از حمایت رژیم های استبدادی و فراهم کردن بستر مناسب تا این که روند طبیعی جریان ها طی شود و پذیرش واقعیات؟ سوال اساسی این است که آمریکا تا چه زمانی باید به حمایت از شرایط زشت کنونی ادامه دهد؟ هرچقدر بیشتر انتظار بکشیم شرایط بدتر خواهد شد (Fuller, 2011: 75). خروج این نیروها میتواند به رفع سوء تفاهات میان کشورهای منطقه و فراهم نمودن زمینه های همگرایی و تعامل بیشتر میان اعضا کمک نماید. زیرا نفوذ و رسوخ قدرتهای خارجی در منطقه و در بسیاری موارد با مداخله در امور منطقه ای، بر گزینه های پیش روی کشورهای منطقه تأثیر

گذاشته است و انتخابهای آنان را محدود نموده است. (دیوید ای. لیک و پاتریک ام. مورگان. *نظم‌های منطقه ای*، ۱۳۸۱، ص ۳۷۳). این مسئله به طور اساسی از جمله عوامل ایجاد چالش میان برخی از کشورهای منطقه به خصوص ایران با سایر کشورها محسوب می‌گردد. در صورت خروج و یا کاهش نیروهای فرامنطقه ای، محرک نیرومندی در اختیار برخی از کشورهای منطقه (به خصوص ایران) در جهت ورود به هر گونه ترتیبات امنیتی جدید در منطقه قرار خواهد گرفت. (شهرز ابراهیمی، ۱۳۸۶، ص ۲۲) زیرا تنها در این صورت است که کشورهای معترض به این نتیجه خواهند رسید که نگرانیهای آنان نیز از سوی دیگر کشورهای منطقه به رسمیت شناخته شده است. بنابراین از لحاظ روانی نیز فضای لازم برای ایجاد حس همکاری و تعامل ایجاد گردیده است.

### **تأمین امنیت منطقه ای در چهارچوب سیستم امنیت دسته جمعی**

اکنون و پس از تعیین خلیج فارس به عنوان یک مجموعه، برای تنظیم روابط امنیتی میان کشورهای عضو از یک سو و مقابله با تهدیدات و چالشهای درون و برون منطقه ای از سوی دیگر، به یک سیستم امنیتی کارآمد نیاز است. بنابراین فارغ از هرگونه برداشت و ادراکی از سوی کشورهای عضو مجموعه، تعامل و همکاری آنها در چهارچوب یک نظم امنیتی بیش از آنکه تابع اراده و خواست آنها باشد، برخاسته از یک ضرورت و نیاز مشترک خواهد بود. بر این اساس کشورهای این منطقه در یک سیستم امنیتی به هم پیوسته و به عنوان یک مجموعه، متاثر از وابستگی متقابل امنیتی میان همدیگر به سر می‌برند. این امر بیش از هر چیز دیگر بیانگر این مسئله است که تنها راه مقابله با تهدیدات و چالشهای موجود و نیز تأمین امنیت و حفظ ثبات در منطقه، استفاده از سازوکاری است که در آن تمامی اعضا و با مشارکتی همه جانبه حضور داشته باشند. استفاده از سیستم امنیتی دسته جمعی این فرصت و امکان را در اختیار کشورهای منطقه قرار خواهد داد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> Joseph McMillan, "Toward a new regional security architecture", *The Washington Quarterly*, Summer 2003, Vol. 26, pp. 161-163

الگوی پیشنهادی مبتنی بر مشارکت و همچنین مسئولیت امنیتی چند جانبه است. بر اساس این الگو به هر میزان، بازیگران منطقه ای در شکل بندی ساختار امنیت خلیج فارس نقش مؤثری داشته باشند، بی ثباتی های موجود کاهش یافته و زمینه برای ایجاد ثبات منطقه ای فراهم می گردد. (با ثبات سازی منطقه ای و اجتماع امنیتی در خلیج فارس، ترجمه ابراهیم متقی) تاکید در جهت استفاده از این سیستم بیش از هر چیز نشان دهنده ناکارآمدی ترتیبات امنیتی در گذشته میباشد. سیستمهای گذشته از دو نقیصه مهم برخوردار بودند. نخست یا به مانند شورای همکاری خلیج فارس اتحادی علیه دیگر کشورها (ایران) بودند و یا به مانند استراتژیهای امنیتی ایالات متحده آمریکا در سطح منطقه، از ویژگی هژمونیک برخوردار بودند. این دو نقیصه به همراه این مسئله که دو کشور ایران و عراق همواره از ترتیبات منطقه ای کنار گذاشته شده اند، از جمله عوامل ناکارآمدی سیستمهای تأمین امنیت در منطقه خلیج فارس در گذشته به حساب می آیند. این در حالی است که در یک سیستم امنیتی دسته جمعی، امنیت تنها از طریق همراهی و مشارکت تمامی اعضا میسر خواهد بود. چرا که اساس استراتژی امنیت دسته جمعی در این است که امنیت باید در کنار دیگر کشورها جستجو گردد و علیه آنها نباشد در این صورت اگر تمامی کشورهای منطقه به آهستگی در یک شبکه از روابط امنیتی در هم تنیده اقتصادی و نظامی مبتنی بر وابستگی متقابل امنیتی، با هم به تعامل پردازند، آینده خلیج فارس امیدوارکننده خواهد بود. (مایکل کریگ، ۱۳۸۶، ص ۳۱)

بنابراین مدیریت دسته جمعی چند جانبه هنگامی شکل میگیرد که دریابیم اقدامات مربوط به مدیریت، تأمین و حفظ امنیت و صلح در یک مجموعه امنیتی نه تنها منحصر به قدرتهای بزرگ نیست بلکه همچنین این اقدامات باید از موافقت سایر اعضای کوچکتر نیز برخوردار گردد. (دیوید ای. لیک و پاتریک ام. مورگان، پیشین، ص ۵۹). بدین ترتیب در یک نظام امنیتی دسته جمعی حقوق همه کشورها حتی کشورهای کوچک نیز به رسمیت

<sup>۱</sup> Michael Kraig, "assessing Alternative security framework for the Persian gulf", Middle East Policy, Fall 2004, Vol. 11, pp. 145-147.

پذیرفته میشود. (علی عبدالله خانی، پیشین، ص ۳۷۰) این مسئله بیانگر این مطلب است که موفقیت یک سیستم امنیت دسته جمعی در این است که مشارکت همه جانبه و حضور تمامی اعضای یک مجموعه فارغ از سلسله مراتب قدرت، برای تأمین و ثبات کل مجموعه ضروری خواهد بود.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر نظام امنیت دسته جمعی میکوشد تا توجه کشورهای درگیر در مجموعه را به برخورداری از منافع بیشتر در صورت همکاری در خصوص موضوعات و مسایل مشترک مورد نظر کشورهای عضو سیستم جلب نماید. زیرا هدف اصلی در یک نظم امنیتی دسته جمعی، تعامل در مورد مسایل مشترک و قابل توجه تمامی طرفها است و تلاش دارد که اعضا در خصوص ادراکات خود در زمینه تهدیدها و فرصتهای موجود در جهت ایجاد تغییرات مثبت در جهت نیل به منافع بیشتر به اجماع و توافق برسند. (مایکل کریگ، پیشین، ص ۲۸). بنابراین کشورهای منطقه فارغ از برخی اختلافات، میتوانند به منافع مثبت حاصله از همکاری و همگرایی در جهت مقابله با تهدیدات و چالشها در سطح منطقه بیندیشند. بدین ترتیب ملاحظه میگردد که مجموعه امنیتی خلیج فارس متشکل از کشورهایی است که علیرغم وجود برخی اختلافات، در خصوص بسیاری از تهدیدات و چالشهای منطقه ای نگرانیهای مشترکی دارند. ثبات در منطقه، حل بحران عراق، تأمین و تضمین جریان آزاد انتقال انرژی، همکاریهای اقتصادی و تجاری میان کشوری، مبارزه با تروریسم، مقابله با بنیادگرایی و افراطی گری، جرایم سازمان یافته، مهاجرت‌های غیر قانونی، قاچاق مواد مخدر و حفظ محیط زیست از جمله نگرانیها و دغدغه های مشترک کشورهای منطقه می باشند.

بنابراین و در واقع امنیت دسته جمعی بر این فرض استوار است که حتی با وجود رقابت و خصومت؛ دشمنان نیز مانند دوستان وجود محدودیتها و موانعی را در رفتارهای

---

<sup>1</sup> Joseph McMillan, op cit, p. 165.

خود خواهند پذیرفت. (مایکل کریگ، پیشین، ص ۱۲). این بدان معناست که صرف وجود اختلاف میان برخی از کشورها نمیتواند مانعی در راه رسیدن به همکاری و تعامل میان آنها در یک نظام امنیتی دسته جمعی باشد. بر همین اساس ملاحظه میگردد که وجود پاره‌های از اختلافات میان دو کشور ایران و امارات، نتوانسته مانع از روابط نسبتاً بالای تجاری و اقتصادی میان دو کشور گردد.

دیگر ویژگی ترتیبات امنیتی منطقه در گذشته هژمونیک بودن آنهاست. استراتژی ایالات متحده در طی سالهای اخیر در منطقه همواره یک استراتژی هژمون محور بوده است. این مسئله هر چه بیشتر سبب خواهد شد تا نظم امنیتی موجود همواره در معرض خطر گسست قرار بگیرد. این استراتژی همچنان نیز در دستور کار ایالات متحده قرار دارد. بنابراین احتمال شکست سیاسی آن بسیار بیشتر است و از سوی دیگر توافقات دوجانبه این کشور در منطقه نیز نمیتواند به حل کشمکشهای سیاسی موجود کمک نماید. (مایکل کریگ، پیشین، ص ۳۰). استراتژی امنیتی آمریکا همواره بر این اساس استوار بوده که دو کشور ایران و عراق از ترتیبات موجود در منطقه بیرون نگه داشته شوند. این در حالی است که همانگونه که ذکر گردید در یک مجموعه منطقه ای و در یک سیستم امنیت دسته جمعی موفقیت تأمین امنیت تنها در گرو مشارکت تمامی اعضا میباشد. بنابراین هر گونه تلاش از سوی آمریکا برای بنا نهادن یک سیستم جدید امنیت برای خلیج فارس بعنوان اتحادی علیه ایران با استفاده از شورای همکاری خلیج فارس و متحدان عراقی پس از صدام، بسیار شکننده خواهد بود که به مانند سیستم های گذشته با شکست مواجه خواهد شد. این مسئله مطلوب سایر کشورهای منطقه خلیج فارس نیز نمیشد. حتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز بهترین گزینه برای ایالات متحده آمریکا را گفتگو با ایران میدانند. به باور آنها همکاری با ایران بسیار اثر بخش تر از سیاست سد نفوذ در برابر آن خواهد بود. آنها همچنین خواستار این مسئله هستند که واشنگتن نگرانیهای امنیتی ایران را

---

Andrew Rathmell, Theodore Karasik, and David Gompert: "A New Persian Gulf Security System", 2003, p.10.

مورد توجه قرار دهد و مانع از همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و استراتژیک ایران با کشورهای منطقه نگردد. بعلاوه خواهان این مسئله هستند که آمریکا به تحریم‌های اقتصادی خود علیه ایران خاتمه دهد. از نظر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس ایران و عراق آنی‌ترین خطر محسوب نمی‌گردند و آنها بر این باورند که ایالات متحده باید راهبردهایی را در جهت همکاری مثبت با ایران در پیش بگیرد. (جودیس اس. یافه، ۱۳۸۶، ص ۲۱).

اما مسئله دیگر در خصوص شکل‌گیری نظام امنیت دسته‌جمعی در یک منطقه تا حد زیادی به برداشتها و ادراکات کشورهای منطقه به خصوص قدرتهای بزرگ در خصوص این سیستم مربوط خواهد بود. بدین ترتیب موفقیت یک سیستم امنیت دسته‌جمعی تا حد زیادی در گرو به رسمیت شناختن منافع بازیگران درگیر از سوی همدیگر خواهد بود. بنابراین اقدامات مشروع برای دفاع از خود برای برخی از اعضا باید به رسمیت شناخته شود. به عنوان مثال حق ایران برای دفاع از خود مانند برخورداری از ارتشی قدرتمند، به رسمیت شناخته شود و از سوی دیگر محدودیتها در خصوص سلاحهای کشتار جمعی حتی باید شامل کشورهایی چون آمریکا، اسرائیل، پاکستان و هند نیز به اجرا درآید. (مایکل کریگ، همان).

نظام امنیت دسته‌جمعی میتواند از سوی ایران نیز پذیرفته شود. سابقه ایران در خصوص تأمین امنیت منطقه ای این مسئله را تأیید میکند. سیستم امنیت دسته‌جمعی در واقع جزء اولین خواسته‌های ایران بوده است. پس از خروج نیروهای انگلیسی از منطقه خلیج فارس ایران بر این باور بود که هر سیستم امنیتی برای منطقه که حتی بدون مشارکت یکی از کشورهای ساحلی باشد افزون بر ناقص بودن، به عنوان تهدیدی علیه کشور یا کشورهای غیر عضو این سیستم تبدیل خواهد شد. (پیروز مجتهدزاده، پیشین، ص ۵). حتی میتوان ادعا نمود که مسئله امنیت در خلیج فارس اصولاً یک نگرانی و دغدغه ایرانی است زیرا حیات اقتصادی ایران در زمینه صادرات نفتی و غیر نفتی و واردات به طور کلی به آبهای خلیج فارس وابستگی بسیاری دارد. (پیروز مجتهدزاده، پیشین، ص ۸). بنابراین

حفظ ثبات و تأمین امنیت در خلیج فارس همیشه جزء نگرانیهای اولیه امنیتی ایران بوده است و خواهد ماند.

### **ارائه الگویی مناسب در ترتیبات جدید امنیتی خلیج فارس**

وضعیت امنیتی منطقه با پیچیدگی‌هایی مواجه شد و به رغم انعقاد پیمان‌های متعدد دفاعی کشورهای منطقه با قدرت‌های غربی، توفیق چندانی نداشته و روند روبه‌تزايد نگرانی‌های امنیتی به ویژه پس از ناکامی‌های آمریکا در حملات نظامی به عراق و افغانستان، سبب این شد که کشورهای منطقه به سمت الگوهای دیگری برای ایجاد امنیت در منطقه گرایش یابند.

به رغم حضور گسترده نظامیان آمریکایی در منطقه، تلاش ناتو برای حضور بیشتر و انعقاد قرارداد امنیتی با کشورهای نظیر امارات، عربستان، قطر و برنامه مستقل کشورهای نظیر، روسیه، فرانسه، انگلستان برای انعقاد قراردادهای جداگانه بخشی از این برنامه‌ها است.

اما به دلیل تک بعدی و یک جانبه بودن این پیمانها و نادیده انگاشتن مؤلفه‌های اساسی قدرت در منطقه خلیج فارس چشم انداز روشنی در ایجاد امنیتی فراگیر در منطقه دیده نمی‌شود و همین امر کشورهای منطقه را در موفقیت این الگوها با تردید مواجه ساخته است.

### **پیمان‌های موجود**

#### **الف - پیمان‌های چند جانبه**

##### **۱) شورای همکاری خلیج فارس**

این شورا در فوریه ۱۹۸۱ در نشست ریاض تاسیس شد. چیزی که بیش از همه ۶ کشور عربی را برای تشکیل این شورا ترغیب می‌کرد، جنگ ایران و عراق بود.

شش کشور عربی حوزه خلیج فارس (امارات متحده عربی، بحرین، عربستان، عمان، قطر و کویت) در ماه می ۱۹۸۱ میلادی ایجاد شورایی را بین خودشان با عنوان «شورای همکاری خلیج فارس» بدون حضور ایران و عراق را اعلام کردند. (نعمی ارفع، ۱۳۷۰: ۵۴) این شش کشور بجز عربستان طی دهه‌های ۵۰ و ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ هفتاد قرن بیستم میلادی به



استقلال رسیدند. از این رو عدم استقلال پیش از این و وابستگی امنیتی این کشورها به خارج از منطقه یکی از عوامل مشترک این کشورها به شمار می‌آید و طبیعی است که هر یک به نوبه‌ی خود در جهت تشکیل یک اتحادیه برای حفظ منافع مشترک اقداماتی صورت داده باشد. (لی نورجی، ۱۳۸۳: ۱۱۷)

عربستان سعودی مهمترین هم پیمان ایالات متحده در خلیج (فارس) است. عربستان و آمریکا در این منطقه منافع مشترکی در محدود کردن و مهار ایران و حصول اطمینان از امنیت خلیج فارس و جریان پایدار صادرات نفت دارند (Alsis, Allison & Cordesman, 2012: 8).

تشکیل این شورا به بخشی از تدابیر اتخاذ شده توسط آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران و همچنین اوضاع افغانستان (حمله شوروی به این کشور) نیز مربوط می‌شد، اما این سیستم برای برقرار کردن امنیت در منطقه کارا نبود؛ چرا که این سیستم حضور دو کشور بزرگ منطقه را با خود به همراه نداشت. شورای همکاری خلیج فارس یک مدل همکاری دسته جمعی ناقص بود که در عین حال قدرت‌های خارجی مانند آمریکا در آن نفوذ بسیار زیادی داشته و دارند.

## ۲) پیمان ۶+۲

پیمان ۶+۲ اقدامی بود که از جانب آمریکا و پس از پایان جنگ خلیج فارس در دهه ۹۰ میلادی به دنبال برگزاری نشست‌های دمشق پیگیری شد. این پیمان ناظر به تشکیل نیروی نظامی فعال در منطقه به منظور دفاع از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس هنگام روبه‌رو شدن با تجاوز خارجی بود.

ایران بر برداشت‌های شورای همکاری درباره «اتکا به خود» و «منطقه‌نگری» تأکید کرد و امیدوار بود از طریق استراتژی همکاری با شورای همکاری خلیج فارس، موجب کاهش وابستگی خارجی شورا و اتکای آن به خارج و به ویژه آمریکا شود. در عین حال، فرمول ۶+۲ (اعلامیه دمشق) و تأسیس ساختار امنیتی منحصرآرایی برای خلیج فارس، به

عنوان دشمنی ضمنی، مورد توجه قرار گرفت<sup>۱</sup> و شکل گیری بحران روابط ایران و امارات بر سر جزایر سه گانه ایرانی در آوریل و اوت ۱۹۹۲، ضرب به ای دیگر بر تلاش های همگرایانه امنیتی ایران به شمار می رفت. ایران در مقابل طرح ۶+۲ توازن بخشی خود را به سود امنیت دسته جمعی کنار گذاشت و خواستار مشارکت خود و عراق در شورای همکاری خلیج فارس شد. (هوشنگ امیر احمدی، سیاست خارجی منطقه ای ایران، ص ۶)

### ۳) نفوذ ناتو در منطقه از طریق شورای همکاری خلیج فارس

کویت، قطر، بحرین و امارات ۴ کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس بودند که به طرح همکاری استانبول که از سوی ناتو برای جذب کشورهای دوست به منظور همکاری با این پیمان مطرح شد، دعوت شدند.

سران ناتو از این دعوت دو هدف را دنبال می کردند: یکی سنجدیدن عضویت این کشورها در ناتو و دیگری زمینه سازی برای همکاری بیش تر با شورای همکاری خلیج فارس.

### ب: پیمانهای دو جانبه

#### ۱- آمریکا و بحرین

بحرین نیز در ۲۲ اکتبر ۱۹۹۱ موافقتنامه همکاری های دفاعی با آمریکا امضا کرد (هالیس راسماری، ۱۳۷۲، ص ۷۳-۶۹) با انعقاد پیمان همکاری دفاعی زمینه استقرار مجدد ناوگان پنجم ایالات متحده در ژوئن ۱۹۹۵ در بحرین فراهم شد.

امکان انجام مأموریت های جنگی هوایی علیه افغانستان و عراق از بحرین، حضور ۴۷۰۰ پرسنل نیروی دریایی آمریکا و کسب جایگاه متحد غیرعضو ناتوی ایالات متحده در سال ۲۰۰۲ از دیگر ابعاد پیمان مشترک ۲ کشور است.

<sup>1</sup>Shahram Chubin, "Iran and Regional security in Persian Gulf", *Survival*, Vol. 34, No.3, Autumn 1992, p.p 252.

## ۲- آمریکا- کویت

انعقاد پیمان دفاعی ۱۰ ساله با ایالات متحده در سال ۱۹۹۱ و تجدید آن در سال ۲۰۰۱ برای ۱۰ سال دیگر، افتتاح مقر فرماندهی نیروی ضربت مشترک در دسامبر ۱۹۹۸ و هزینه ۱۷۰ میلیون دلاری جهت ارتقای ۲ پایگاه هوایی کویت و استقرار ۹۰۰۰۰ نیروی نظامی آمریکا در این کشور بخشی از ابعاد این پیمان است.

انعقاد پیمان دفاعی ده ساله آمریکا - کویت و استراتژی جدید آن مبنی بر گسترش و مداخله گرایي منطقه ای، مانع جدی همکاری ایران با کشورهای منطقه بود. (هوشنگ امیر احمدی، ایران و خلیج فارس دیدگاه‌ها و مسائل استراتژیک، ص ۴۹۸)

## ۳- آمریکا- قطر

قطر در ۲۳ ژوئن ۱۹۹۲ یک قرارداد دفاعی با آمریکا امضا کرد (هالیس راسماری، امنیت خلیج فارس، ۱۳۷۲) (ص ۶۹-۷۳) همچنین ساخت مرکز عملیات هوایی در پایگاه هوایی العدید در سال ۲۰۰۳ و میزبانی فرماندهی مرکزی ایالات متحده با حضور ۶ هزار پرسنل نیروی هوایی آمریکا در قطر بخشی از توافقات امنیتی کشور است.

## ۴- آمریکا- امارات

انعقاد پیمان دفاعی با ایالات متحده در ۲۵ جولای ۱۹۹۴ و حضور ۱۸۰۰ پرسنل نظامی آمریکا در این کشور همراه با انعقاد قراردادهای کلان برای خرید تجهیزات متعدد نظامی بخشی از توافقات دو کشور است. آمریکاییها در سالهای اخیر تلاش عمده ای را برای تحریک امارات‌ها بر علیه ایران در موضوع جزایر ۳ گانه ایرانی خلیج فارس به کار گرفته اند.

## ۵- آمریکا- عربستان

در عربستان گرچه حساسیت در مورد حضور خارجیان در این کشور وجود دارد، ولی بقایای حضور قدرت‌های متحد در عربستان همچنان باقی است و این کشور با موافقت‌نامه آموزشی پانزدهم ساله با آمریکا موافقت کرده است (هالیس راسماری، امنیت خلیج فارس، ۱۳۷۲) (ص ۶۹-۷۳) ضمن انعقاد موافقت‌نامه های آموزشی و تدارکاتی نظامی، واحدهای عملیات ویژه ایالات متحده از مرکز هوایی در پایگاه هوایی شاهزاده سلطان در جنوب ریاض در جنگهای اخیر آمریکا در منطقه استفاده گسترده ای به عمل آورده و خریدهای

کلان نظامی، بخشهایی از توافقات دوجانبه بین آمریکا و عربستان است که تاکنون افشا شده است.

### **عوامل و مؤلفه های مهم مؤثر بر شرایط امنیتی خلیج فارس**

منطقه خلیج فارس علاوه بر ویژگی های منحصر به فرد خود به شدت تحت تأثیر شرایط امنیتی سیستم های همجوار و حتی فرامنطقه ای قرار دارد.

لذا ایجاد ترتیبات مناسب امنیتی در این منطقه باید با ملاحظه شرایط سیستم های مذکور باشد.

۱- سیستم خلیج فارس یک کلونی و محیط بسته امنیتی نیست و امنیت آن از امنیت و ثبات و بی ثباتی حوزه های مجاور، خاورمیانه عربی، آسیای جنوب غربی، آسیای صغیر، آسیای مرکزی، شبه قاره هند، شمال آفریقا و... متاثر است.

۲- شرایط و روندهای اقتصاد جهانی و بویژه مساله انرژی و نوع میزان مصرف و نحوه تسلط قدرتها بر منابع انرژی بر وضعیت امنیتی خلیج فارس تاثیر زیادی دارد. اقتصادهای در حال توسعه به ویژه در آسیای طی دو دهه آتی به انرژی در خلیج فارس وابسته خواهند شد. (جیمز راسل، ۱۳۸۵، ص ۱۳).

۳- روند تعادل قدرت در میان قدرتهای برتر جهانی و مناسبات امنیتی دوسوی آتلانتیک نیز بر وضعیت امنیتی خلیج فارس تاثیر مستقیم دارد.

۴- سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و نحوه گسترش منافع فرااقیانوسی این کشور به عمده ترین دلیل بی ثباتی و ناامنی در منطقه خلیج فارس تبدیل شده است.

۵- وضعیت امنیتی رژیم صهیونیستی به ویژه پس از شکست در جنگ ۳۳ روزه لبنان و ناکامی در مهار حرکت فلسطینیان درغزه از دیگر عوامل مؤثر در امنیت منطقه خلیج فارس است.

۶- مناسبات بین العربی و اختلافات کهن کشورهای مختلف این منطقه (اختلافات ارضی، سیاسی و فرهنگی) و تاثیر آن در تعامل میان دولتها از دیگر عوامل مؤثر در امنیت منطقه خلیج فارس است. این اختلافات حتی در پاره ای از مواقع به بروز تنشهای میان

دولتهای منطقه نیز منجر گردیده است که از آن جمله برخوردهای مرزی میان عربستان سعودی و قطر در سال ۱۹۹۲ و اختلافات میان بحرین و قطر که از سال ۱۹۹۸ در دیوان بین‌المللی دادگستری مورد بررسی قرار گرفته است. (پیروز مجتهد زاده. امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس: ۱۳۸۰، صص ۱۳-۱۲).

۷- موقعیت جمهوری اسلامی ایران و تثبیت اقتدار آن در منطقه تاثیر مهمی بر شرایط امنیتی در خلیج فارس دارد. طی سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا و قدرتهای غربی توانسته اند تا با تهدیدنمایی ایران برای کشورهای منطقه و بزرگنمایی مسائل هسته‌ای و تسلیحاتی ایران زمینه انعقاد پیمانهای دوجانبه و چندجانبه را ایجاد کرده و بازار مناسبی برای فروش تسلیحات خود بیابند. تداوم این روند با توجه به شکست راهبرد ایران هراسی غرب و ناتوانی در حذف نقش ایران در منطقه سبب تغییر استراتژی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس شده است.

۸- بحرانهای منطقه که متأثر از سیاستهای راهبردی گذشته و حال کشورهای غربی در منطقه است، از دیگر عوامل موثر در شرایط امنیتی خلیج فارس است.

### **نظام کنونی و بازیگران مؤثر**

برای درک بهتر نظام امنیت منطقه ای لازم است ابتدا بازیگران منطقه ای را احصا و در مرحله بعد نوع الگوی امنیتی که می‌تواند منافع ملی بازیگران را به صورت نسبی تامین نماید تعیین نمود.

### **در منطقه خلیج فارس هفت بازیگر از یکدیگر قابل تفکیک هستند**

#### **۱- آمریکا:**

آمریکا با حمله به عراق و اعزام نیروهای نظامی به منطقه به دنبال تثبیت الگوی «هژمونی برون سیستمی و مستقیم» خود بدون دخالت بازیگران منطقه ای یا برون منطقه ای در خلیج فارس است.

#### **۲- عراق:**

از سال ۱۹۶۸ که حزب بعث قدرت را در عراق به دست گرفت تا سال ۱۹۷۵ که پیمان الجزایر بین عراق و ایران به امضا رسید، عراق منبع تهدید اساسی برای دولت‌های عرب

حوزه خلیج فارس محسوب می شد. امنیت از دیدگاه عراق به گونه‌ای تعریف می شد که هیچگونه تعارضی با توسعه طلبی‌های صدام در منطقه نداشته باشد. تجاوز به ایران و اشغال کویت از دیدگاه صدام حسین، هیچگونه تضادی با امنیت در منطقه خلیج فارس نداشته و بالعکس این اقدامات توسعه طلبانه در جهت حفظ امنیت عراق صورت گرفته بود. تلاش برای رهایی از گرفتاری ژئوپولیتیکی، صدام را به فکر دستاوردهای ارضی در ایران و متعاقب آن کویت انداخت. عراق با توجه به این اهداف و مقاصدی که در منطقه دنبال می کرد، امکانات خود را بسیج کرد تا امنیت را در چارچوبی که خود طراحی و تعریف کرده بود، به اجرا درآورد (طاهره ابراهیمی فر، تابستان ۷۸، ص ۱۵۹)

### ۳- عربستان:

عملکرد عربستان حاکی از پذیرش آن شکل از ترتیبات امنیتی است که موجب تضعیف پرستیژ و رهبری آن دولت در شورای همکاری خلیج فارس نشود. به همین دلیل تا مدت ها این کشور با گسترش شورای همکاری خلیج فارس مخالف بود و حصول مقصود را تنها از طریق همکاری بین شورا و دیگر کشورهای منطقه تجویز می کرد. روزماری هالیس، ۱۳۷۲، ص ۶۳-۶۱)

به دنبال الگویی است که در آن بتواند موقعیت خود را ارتقاء و ایران و عراق را کنترل کند، چرا که در این سیستم رهبر منطقه خواهد بود و قدرت خارجی ای نیز وجود ندارد که برای او خط مشی تعیین کند، لذا به نظر می آید این کشور به الگویی شبیه «شورای همکاری خلیج فارس» بدون حضور جمهوری اسلامی ایران بیشتر تمایل دارد.

### ۴- امیرنشین های خلیج فارس:

اصطلاح امنیت از دیدگاه این کشورها، به معنای حفظ موجودیت کشور و بقای حکومت به هر طریق و ابزار ممکن است. این کشورها به دلیل موقعیت و وسعت کم جغرافیایی و ژئوپولیتیکی در وضعیت آسیب پذیری قرار داشته و در سطح منطقه ای به عربستان و در سطح فرامنطقه ای به آمریکا اتکا دارند. (طاهره ابراهیمی فر، تابستان ۷۸، ص

این کشورها به علت وابستگی بیش از حدشان به آمریکا، هرگونه کم رنگ شدن حضور آمریکا در ترتیبات امنیت منطقه را به منزله تضعیف موقعیت خود قلمداد می کنند، لذا ترجیح می دهند که ایالات متحده در این ترتیبات چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم حضور داشته باشد.

#### **۵- ناتو:**

بحث گسترش جغرافیایی ناتو و از طرفی اهمیت مسائل مربوط به غرب آسیا و بالاخص خلیج فارس، اعضای ناتو و مخصوصاً آمریکا را متقاعد کرده که تا با برپایی نشست های مشترک بین این نهاد و شورای همکاری خلیج فارس و حتی ارائه پیشنهاد عضویت کشورهای منطقه خلیج فارس در ناتو، در ترتیبات امنیتی منطقه وارد شوند.

#### **۶- سایر بازیگران بین المللی:**

سایر کشورها که در خلیج فارس منافع دارند، به ویژه کشورهای واردکننده نفت خواهان برقراری امنیت در منطقه هستند که تضمین کننده منافع آنها به ویژه در عرضه انرژی باشد، لذا در مواقعی که توانایی کشورهای منطقه را برای برقراری این نوع امنیت کم می بینند، برقراری نظام «امنیت دسته جمعی برون سیستمی» را برای این منطقه خواهانند که آمریکا در آن تنها بازیگر اصلی نباشد.

#### **۷- جمهوری اسلامی ایران:**

ایران امنیت مشترک تولیدکنندگان و مصرف کنندگان انرژی و رعایت امنیت متقابل را شرط امنیت خلیج فارس می داند و آن را از یک سو محصول روابط متقابل همسایگان و در چارچوب امنیت دسته جمعی و از سوی دیگر، محصول روابط با دیگر بازیگران بین المللی به ویژه کشورهای صنعتی قلمداد می کند. ایران، حاکمیت کشورهای منطقه بر خلیج فارس و حفظ و ثبات آن بدون دخالت قدرت های بیگانه و تنظیم فرمولی اصولی و اطمینان بخش که مبنای تفاهم مشترک همه کشورهای منطقه خلیج فارس باشد را دنبال می

کند<sup>۱</sup> و حضور ارتش های خارجی را تشویق کننده بنیادگرایی و تشنج آفرینی در منطقه می داند.<sup>۲</sup>

### وضعیت یا ترتیبات امنیتی

خلیج فارس که ۸ کشور غیر هم وزن با توان نامتقارن را در برمی گیرد، اکنون جهانی ترین منطقه از میان مجموعه های امنیتی جهان است. این منطقه که زمانی از دو تمدن مستقل ایرانی و عثمانی برخوردار بود، به منطقه پیرامونی در نظام جهانی تحت حاکمیت غرب تبدیل شده و به صورتی استثنائی در معرض نفوذ و دخالت خارجی قرار دارد.<sup>۳</sup> نفوذ غرب در این منطقه به واسطه مجاورت مکانی و تمرکز فوق العاده منافع قدرت های بزرگ، نفت، راههای مواصلاتی و اسرائیل است. این منطقه، مهد و قلب جهان اسلام است و جهان اسلام تنها تمدن سنتی (کلاسیک) و بازیگر مهم جهانی است که تا کنون موفق به بازتأسیس خود نشده است. این منطقه از سطح امنیت جهانی دوران جنگ سرد و پس از آن تاثیرپذیری بسیاری داشته و هم زمان با برخورداری از سطح امنیتی مستقل، بر سطح امنیتی فراتر خاورمیانه و سطح امنیت جهانی تأثیرگذار بوده است. خلیج فارس به عنوان مجموعه امنیتی تلقی می گردد؛ زیرا فرایندهای عمده تأمین امنیت و بروز ناامنی در میان کشورهای آن چنان به هم پیوستگی دارند که مشکلات امنیتی یکی از آنها را بدون لحاظ نمودن دیگری نمی توان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. سه اصل ترتیبات موجود میان واحدها و شیوه تفکیک و تمایز بین آنها، الگوی دوستی و خصومت و توزیع قدرت در بین واحدهای اصلی، ارکان شکل دهنده ساختار جوهری<sup>۴</sup> امنیت منطقه ای است. (باری بوزان،

<sup>۱</sup> سخنرانی کمال خرازی، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس، پیشین، ص ۶

<sup>۲</sup> خلاصه گزارش اجلاس بین المللی امنیت در منطقه خلیج فارس ۱۵ - ۱۳ آذرماه ۱۳۸۳، پیشین

<sup>۳</sup> Carl Brwon, *International Politics and the Middle East: Old Rules, Dangerous Games*, Princeton, NJ: Princeton University Press, 1984, pp. 3-5

<sup>۴</sup> Barry Buzan, "New Pattern of Global Security in the Twenty- First Century", *International Affairs*, 67, no3, July 1991, pp.246-247

<sup>۵</sup>Essential Structure



خاورمیانه: ساختاری همواره کشمکش‌زا، ص ۵ و ص ۶۳۴) ترتیبات امنیتی قاعده‌گریز و آنارشیک، تابونبودن جنگ بازیگران و تأثیر تقارن شکن قدرت‌های غربی در منطقه، ساختار جوهری منحصر بفردی را در خلیج فارس ایجاد کرده است.

نقش عوامل و مؤلفه‌های بیرونی در منطقه خلیج فارس در کنار اهداف و دیدگاه‌های متفاوت کشورهای منطقه باعث گردیده است که دستیابی به الگویی مناسب برای تحقق امنیت در منطقه دشوار باشد.

اینکه آیا شرایط کنونی به رغم انجام توافقاتی میان کشورهای منطقه با قدرتهای بیرونی الگویی از ترتیبات امنیتی است، مستلزم شناخت ابعاد ترتیبات امنیتی و وضعیت امنیتی است.

### **الگوهای ترتیبات امنیتی**

برای شناخت الگوی مناسب برای ترتیبات امنیتی خلیج فارس ابتدا لازم است به الگوهای امنیتی موجود اشاره شود.

#### **۱- مدل هژمونیک**

اینکه ما و یا هر کشور ثالث دیگری عنصر مسلط هژمون در منطقه خلیج فارس باشد و بتواند هر نوع ترتیب امنیتی که با منافع خود سازگاری دارد برای منطقه تعریف و آن را اعمال کند.

#### **۲- مدل بلوک‌های زیر منطقه‌ای**

در این مدل، منطقه امنیتی به چند بلوک زیرمنطقه‌ای تقسیم می‌شود و هر بلوک متناسب با شرایط منطقه‌ای، ترتیبات خاص خود را دارد اما مجموعه این چند بلوک با هم توافقات و ترتیبات خاص را دارند.

#### **۳- مدل سلسله‌مراتبی**

در این الگو قدرت سلطه آمریکا به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای به صورت دوفاکتو (واقعیت موجود) به رسمیت شناخته می‌شود و در ادامه قدرت‌های منطقه‌ای به صورت سلسله‌مراتبی تعریف می‌شوند.

#### **۴- مدل موزاییکی**

مدل موزاییکی هم یک الگوی دیگری از مدل بلوک های زیر منطقه ای است اما به صورت جزء تر

### **۵- مدل موازنه قوا**

مدلی براساس مزیت های نسبی است. مدلی است که در آن می توان غلبه عنصر خارجی را به رسمیت نشناخت، اما وجود آن را در مناسبات به نوعی تعریف کرد. به عبارت دیگر نمی توان تأثیر وجود این عنصر را نادیده انگاشت.

### **الگوی موازنه**

در شرایط حاضر براساس این الگو وجود ایالات متحده را به عنوان عنصر بیگانه حاضر در منطقه می توان پذیرفت اما به رسمیت نشناخت. ولی در ترتیبات امنیتی آن را مورد توجه قرار داد. تحقق این مدل الزاما به معنی حذف فوری ایالات متحده از صحنه نیست، اما می توان به گونه ای طراحی کرد که به هضم آن بیانجامد و از وضعیت پیش آمده به عنوان یک فرصت استفاده کرد.

براساس آنچه که در تعریف ترتیبات امنیتی اشاره شد، واقعیت هایی در صحنه وجود دارد که بر تعاملات اثر می گذارد. مثل اینکه جوهر و مبنای نگرشی ما به مبانی امنیتی با دیگر کشورها و قدرت های منطقه متفاوت است.

مبنای اصلی ما در نگرشمان به ترتیبات امنیتی یک مبنای ایدئولوژیک است. و این امر ممکن است برای دیگر قدرت ها پذیرفته نشود.

مثلا عربستان اگرچه برای شکست ایران در جنگ عراق ۳۰ میلیارد دلار هزینه کرد، اما اکنون حاضر است بسیار بیشتر هزینه کند تا تفکر شیعه در لبنان و جهان عرب به پیروزی نرسد.

با توجه به وجود این تضادها در سطح کشورهای منطقه، الگوی موازنه مناسبترین الگو است زیرا در مدل موازنه ماهیت وجودی قدرت ها به رسمیت شناخته می شود و طرفین ظرفیت ها، قدرت و توان یکدیگر را به رسمیت می شناسند.

آنچه که در این الگو ریشه تعامل است شوق به همزیستی مسالمت آمیز نیست بلکه نگرانی از فنا و تهدید متقابل است که عنصر اصلی این موضوع بازدارندگی است. بازدارندگی، تمهید شرایط و ابزاری است که بدون بکارگیری زور نظامی، دشمن را از ورود به عرصه متنازع منصرف کند.

آنچه که در این میان مزیت نسبی است همان سطح غیرمتعارف و غیرهمسطح است و آن قدرت تضادسازی است که عناصر متنوع در این عرصه به دلیل ادغام منافع سطوح استراتژیک دشمن می‌تواند تمام مؤلفه‌های قدرت دشمن را تحت تأثیر قرار دهد.

به همین دلیل ایران در سیستم ترتیبات امنیتی خود نیازمند توانمندیهای متنوع غیرهمسطح است که با آن بتواند ترتیب امنیتی مناسب را ایجاد کند.

اما این ترتیب باید یک دیپلماسی قوی و غیرهمسطح را در اختیار داشته باشد که با ادغام آن با ۳ سطح موازنه استراتژیک، متعارف و غیرمتعارف بتواند از مسیر اثبات توانمندی خود کشورهای منطقه را مجاب به تمکین و مدارا نموده و به جای اعتمادسازی، معتمدسازی کند.

در این الگو معتمدسازی به معنای این است که کشورهای مؤثر در صحنه معتمد یکدیگر باشند.

به طور مثال به جای برداشت ایدئولوژیک از دین به سمت برداشت بنیادین اصولی از دین رفته و بر این اساس گفتمان مشترک ایجاد شود. در این حالت ایدئولوژی کشورهای مختلف در جای خود محترم و باید هر یک به دیگری احترام بگذارند. اما براساس اصول بنیادین دینی معتمد دینی یکدیگر باشند.

### **مزیت‌های ایران در الگوی موازنه**

برای تحقق الگوی موازنه ایران ۸ مزیت نسبی دارد.

- ۱- مزیت انرژی- هیچ کشوری در منطقه خلیج فارس نیست که مجموع مزیت‌های انرژی ایران را در عرصه‌های نفت و گاز یکجا داشته باشد.
- ۲- مزیت بازار که برای تمام کشورهای منطقه مهم است.

۳- مزیت ترانزیت: ترانزیت عنصر فوق العاده استراتژیک است.

۴- مزیت امنیت سازی: حفظ این توان که ما می توانیم شرایط را به هم بزنیم و یا به هم نزنیم.

۵- مزیت فرهنگی

۶- اقتدار نظام اسلامی و انسجام ملی

۷- فرسودگی نیروهای نظامی آمریکا و شکست راهبردهای آمریکا در منطقه

۸- عمق استراتژیک

شرط موفقیت در این الگو این است که با اتکاء به مزیت‌های نسبی و دیپلماسی فعال ارتباط برادرانه ای با کشورهای اسلامی هم‌جوار ایجاد شود که در مرحله اول معتمد هم باشند. اما این واقعیت را نیز باید بدانند که در صورت اینکه قصد خیانت داشته باشند پیامد سختی را باید تحمل کنند.

### نتیجه گیری و پیشنهادات

در یک نتیجه کلی باید این مورد را مورد توجه قرار داد که خلیج فارس از دیرباز همیشه مورد توجه قدرتهای بیگانه بوده است بطوری که سالهای ابتدایی حضور استعمار قدرتهای بزرگی همچون پرتغال، هلند، بریتانیا، فرانسه و در پایان هم آمریکا را می بینیم که همیشه از این منطقه از جهان به عنوان یک منبع درآمد مناسب استفاده کرده‌اند.

با توجه به سوال مطرح شده که نقش ایران در امنیت خلیج فارس چگونه است؟ فرضیه ای هم که در این رابطه مطرح کرده ایم چنین است که ایران به عنوان کشوری که بیشترین مرز آبی را با خلیج فارس دارد نقش امنیتی بسزایی ایجاد می‌کند و ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای می‌تواند نقش بسزایی در امنیت این منطقه استراتژیک جهان ایفا کند. با توجه با اینکه در سالهای اخیر شاهد تحول و دگرگونی عظیم در معنا و مفهوم امنیت بوده ایم هم اکنون یک مفهوم کلی و گسترده ای دارد، که صرفاً شامل بعد نظامی و تسلیحاتی نمی‌شود بلکه معنا و مفهوم آن بسیاری از ابعاد زندگی ما، اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی را نیز شامل می‌گردد.

بر اساس بحث‌های انجام شده ایران خواهان استقرار الگوی امنیت دسته جمعی درون سیستمی از نوع پایدار است و ۲ پیش شرط را برای تحقق آن لازم می‌داند:

۱. این الگو بایستی بومی و بدون حضور نیروهای خارجی باشد.
۲. بایستی تمامی کشورهای منطقه در تحقق آن مشارکت و حضور فعال داشته باشند.

خارج بودن یک کشور از این سیستم موجب ناکارآمد شدن نظام امنیت منطقه‌ای ارزیابی می‌شود، زیرا در میان مدت همان قدرت خارج از سیستم به معطلی برای برقراری ثبات منطقه ای تبدیل می‌گردد.

همچنین در شرایط حاضر الگوی موازنه در حوزه خلیج فارس میتواند الگویی مناسب و کارآمد تلقی گردد براساس این الگو وجود ایالات متحده را به عنوان عنصر بیگانه حاضر در منطقه می‌توان پذیرفت اما به رسمیت نشناخت. ولی در ترتیبات امنیتی آن را مورد توجه قرار داد. اما برای پیاده نمودن این الگو موانعی بر سر راه وجود دارد از جمله این موانع که می‌توان به آن اشاره کرد عبارتند از:

الف) مخالفت‌های خارجی (وابستگی قدرت‌های فرامنطقه ای به منابع سرشار نفت خلیج فارس و نگرانی آنها از رشد اسلام‌گرایی موجب شده است که آنان تحولات درونی این منطقه را به دقت رصد نمایند، لذا تحقق هر نوع ترتیب جدید امنیتی که به نوعی استقلال خاصی برای منطقه و کشورهای درون آن به همراه داشته باشد با مخالفت‌هایی از سوی آنان مواجه خواهد شد).

ب) مقاومت احتمالی دولت‌های منطقه

ج) ناامن بودن عراق و مبهم بودن آینده این کشور می‌تواند روند انعقاد پیمان دفاعی - امنیتی مشترک را با مشکل یا حداقل تاخیر بلند مدت مواجه کند.

د) حضور نظامی آمریکا در عراق و خلیج فارس

ه) وجود منازعات مرزی بین کشورهای منطقه

و) ذهنیت نامناسب شکل گرفته براساس تجربیات تلخ گذشته (وقوع دو جنگ متوالی و طولانی در خلیج فارس، خرید و انباشت تسلیحات گوناگون ناشی از سوء ظن کشورهای هم، روند تردیدآمیز صلح خاورمیانه، مشکلات عراق، تروریسم و حرکت‌های افراطی مدعیان اسلامگرایی، تبلیغات منفی و گسترده غرب علیه تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران، عدم موفقیت رژیم‌های امنیتی تحمیلی بر منطقه و...)

در صورتی که زمینه‌های مناسب برای پیاده نمودن الگوی موازنه در حوزه خلیج فارس فراهم گردد فرصت‌های مناسبی را پیش روی کشورهای این حوزه به وجود می‌آورد از جمله این فرصتها عبارتند از:

۱ - انعقاد پیمان دفاعی - امنیتی کشورها را با وضعیت جدیدی مواجه می‌کند که در آن با فرصت‌های زیادی روبرو می‌شوند که لازم است که با شناخت آنها، اوضاع را مدیریت کنند.

۲ - تامین منافع واقعی و بلندمدت کشورهای منطقه در امنیت درون سیستمی

۳ - ارتقای جایگاه منطقه ای و بین المللی ایران

۴ - فراهم شدن زمینه‌های لازم برای حل اختلاف‌های مرزی

پیشنهادهایی که برای مسائل امنیتی و اقتصادی منطقه خلیج فارس باید ارائه داد این چنین است:

۱. عضویت ایران و عراق در شورای همکاری خلیج فارس به دلیل اینکه این شورا از شش کشور جنوبی حوزه خلیج فارس تشکیل شده و پیوستن ایران و عراق می‌تواند نقش بسزایی در این منطقه داشته باشد.

۲. یک تیم از کارشناسان وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای کارشناسانه باید در حوزه مطالعات، بررسیها، ارائه فرضیه‌های قابل اجرا و توصیه به مقامات ارشد به کار گمارده شوند. هم زمان با آن دیپلماسی ایران در رابطه با کشورهای عرب خلیج فارس باید فعال شود. این فعالیت باید تمرکز خود را روی سیاستمداران، استادان دانشگاهها و بازرگانان قرار دهد.

۳. از لحاظ نظامی و امنیتی باید به طور مداوم رزمایشها و مانورهای منظم و دقیقی را در منطقه خلیج فارس به انجام رساند تا قدرت نظامی ایران را به کشورهای جهان و حوزه خلیج فارس نشان دهیم.
۴. انتشار نشریات عرب زبان و تقویت رسانه‌های عرب زبان موجود همراه با رعایت حساسیت‌های مذهبی کند.
۵. باید روابط و مرزهای کشورهای حوزه خلیج فارس به طور مرتب تصحیح شود، زیرا تا به حال این مرزها همیشه این منطقه را دچار بحران کرده است. از جمله این مرزها می‌توان به مرزهای ایران و عراق، عراق و کویت، ایران و امارات بر سر جزایر سه گانه اشاره کرد.
۶. اعزام دیپلماتهای مسلط به زبان عربی را به حوزه کشورهای عرب خلیج فارس و در این زمینه از شخصیت‌های مستقل آشنا به محیط، زبان و میراث جهان عرب به عنوان رایزنان متحرک فرهنگی استفاده کند.
۷. با توجه با اینکه نفت و گاز از اهمیت بسیار بالایی در اقتصاد این منطقه قرار دارند باید در نظر داشت که این منابع انرژی را به درستی مصرف کنیم تا در آینده با اشکال روبرو نشویم.
۸. ایجاد تربیون منطقه‌ای : تقویت نهادهای غیردولتی انجمنهای دوستی ایران و کشورهای عربی و تسهیلات لازم را برای پیشبرد هدفهای آنان تأمین کند.
۹. همسان‌سازی فرهنگی - اجتماعی (برای اعتمادسازی و رفع کدورت‌های فیما بین در میان کشورهای منطقه لازم است که با تقویت اشتراکات فرهنگی زمینه تعاملات در سایر حوزه‌ها را نیز فراهم سازیم.)
۱۰. راه‌اندازی کانون پژوهشگران خلیج فارس : ابزار علمی و کاربردی این انجمن علم و منطق است که به دور از غرض‌ورزیها اعمال گردد. این محفل می‌تواند حداقل در سه محور مشخص گام‌های سودمندی را در راه شکستن دیوارهای شک و

تردید بردارد؛ (۱- ایجاد فرصت‌های مطالعاتی برای پژوهشگران منطقه ۲-  
برگزاری همایش‌ها ۳- همکاری دفاتر مطالعات منطقه‌ای)

۱۱. قویت همکاریهای اقتصادی : با توجه به اهمیت اقتصاد در جهان امروز و وابستگی شدید کشورهای منطقه به درآمدهای نفتی به نظر می‌رسد سرمایه‌گذارهای مشترک و استفاده از تجارب همدیگر باعث رونق منطقه و خارج شدن از سیستم تک‌محصولی گردد. الزاما همگرایی موثر و تقویت همکاریهای اقتصادی میان کشورهای منطقه می‌تواند طرح و الگوی نظامندی را برای توسعه منطقه و برون‌رفت از مشکلات موجود فراهم سازد.

۱۲. مهمترین راهکارهایی که می‌تواند احتمال دستیابی به انعقاد پیمان دفاعی- امنیتی منطقه ای را تقویت کند عبارتند از:

الف) تاکید بر مشترکات دینی و فرهنگی

ب) تضمین امنیت تامین انرژی جهان

ج) همکاری های اقتصادی زیربنای همکاری های امنیتی

د) اتخاذ سیاست چند جانبه گرایی در سطح منطقه ای و بین المللی

ه) اطمینان به مشارکت منصفانه در نظام تصمیم گیری

و) اتخاذ رویکرد فرامنطقه گرایی از جانب ایران به عنوان اهرم فشار

ز) تلاش در حل اختلافات میان کشورهای منطقه

ح) همکاری ابتدایی کشورهای مشتاق



## منابع

- آرنولد تالبوت ویلسون ، خلیج فارس ، ترجمه محمد سعیدی ، تهران ۱۳۴۸.
- الهی، همایون، خلیج فارس و مسائل آن، تهران: قومس، ۱۳۸۴.
- اسکندر منشی ؛ پیروز مجتهدزاده ، جزایر تنب و ابوموسی : رهنمونی در کاوش برای صلح و همکاری در خلیج فارس ، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری ، تهران ۱۳۷۵ش
- الهی همایون(۱۳۸۴) خلیج فارس و مسائل آن، چاپ هشتم، تهران، نشر قومس
- با ثبات سازی منطقه ای و اجتماع امنیتی در خلیج فارس، ویژه نامه همشهری دیپلماتیک. ترجمه ابراهیم متقی از: [Http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=PP00020050202002617](http://www.did.ir/document/index.fa.asp?cn=PP00020050202002617) (22/02/1387)
- باری بوزان. مردم، دولتها و هراس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۸
- باری بوزان، خاورمیانه : ساختاری همواره کشمکش زا ، فصلنامه سیاست خارجی ، سال شانزدهم، شماره ۴، پاییز ۱۳۸۱
- بیانیه پایانی شورای همکاری خلیج فارس در سیزدهمین اجلاس سران، ابوظبی ، ۲۳ دسامبر ۱۹۹۲ (سایت شورای همکاری خلیج فارس)
- پورطالب روح الله، مسائل ژئوپلتیکی، امنیتی، اقتصادی حوزه خلیج فارس، ماهنامه خلیج فارس و امنیت ، مرکز مطالعات خلیج فارس، ۸۹
- پیروز مجتهد زاده. امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس: جغرافیای سیاسی دریایی. ترجمه امیر مسعود اجتهادی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰
- حجت اله همتی گل سفیدی و محمدرضا اقارب ، امنیت در خلیج فارس ، هجدهمین همایش بین المللی خلیج فارس در دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه از: <http://www.bashgah.net/fa/content/show/22954>
- جودیس اس. یافه استراتژیهای امنیتی خلیج فارس، ترجمه سید مجتبی عزیزی. گزارش پژوهشی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ مجدد ۱۳۸۶

- جیمز راسل، استراتژی، امنیت و جنگ در عراق : ایالات متحده و خلیج فارس در قرن ۲۱، ترجمه پیروز ایزدی، گزارش تحلیلی، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، شماره ۱۳۶، خرداد ۱۳۸۵
- درایسدل آلاسدایر، بلیک جرالداچ (۱۳۸۶) جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میر حیدر، چاپ پنجم، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه
- درویشی فرهاد، نجومی احسان (۱۳۸۶)؛ مخازن مشترک هیدروکربوری ایران در منطقه خلیج فارس چالشها و فرصتها، جغرافیا (نشریه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، دوره جدید، سال پنجم، شماره ۱۲ و ۱۳ بهار و تابستان
- دیوید ای. لیک و پاتریک ام. مورگان، (۱۳۸۱) نظم های منطقه ای: امنیت سازی در جهانی نوین. ترجمه سید جلال دهقانی فیروز آبادی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ربیعی علی (۱۳۸۳) مطالعات امنیت ملی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- روانبخش، قاسم و سیدعلی پورفیکوئی، ۱۳۹۰: استراتژی ایالات متحده آمریکا در خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت
- روزماری هالیس، امنیت خلیج فارس، ترجمه حاکم قاسمی، تهران، پژوهشکده علوم دفاعی و استراتژیک دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۲
- زین العابدین، یوسف، در آمدی بر جغرافیای سیاسی پیشرفته، رشت: کتیبه گیل، ۱۳۸۶-۱۳۸۵.
- شهروز ابراهیمی. (۱۳۸۶) "سیستم جدید قدرت در خلیج فارس". گزارش پژوهشی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ مجدد
- طاهره ابراهیمی فر، بررسی علل واگرایی در منطقه خلیج فارس ، فصلنامه سیاست خارجی سال سیزدهم ، شماره ۲ تابستان ۷۸
- عزتی عزت الله (۱۳۷۲) ژئوپلتیک، تهران، سمت
- علی عبدالله خانی. نظریه های امنیت. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳، صص ۲۸۲-۲۷۹.
- فیلی رودباری لواء (۱۳۷۵) کویت (کتاب سبز) تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل

- کورد سمن آنتونی اچ (۱۳۸۱) موازنه نظامی در خلیج فارس و خاورمیانه، ترجمه مجید خسروی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی سپاه پاسداران
- کمپ جفری، هارکاوای رابرت (۱۳۸۳) جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه مهدی حسینی متین، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- لی نورجن مارتین (۱۳۸۳) چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه قدیر نصیری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مایکل کریگ، بررسی چهارچوبهای امنیتی جایگزین در خلیج فارس، ترجمه خدیجه حیدری. گزارش پژوهشی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ مجدد ۱۳۸۶
- مجتهد زاده پیروز، شفایی سعید (۱۳۸۵) امنیت خلیج فارس گذشته، حال، آینده، چاپ اول، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
- مجتهد زاده پیروز (۱۳۷۹) ایده های ژئوپولتیک و واقعیت‌های ایرانی مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، تهران، نشر نی
- مجتهد زاده پیروز (۱۳۸۰). امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس: جغرافیای سیاسی دریایی. ترجمه امیر مسعود اجتهادی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- مکین لای اردی، آرتیل (۱۳۸۱) امنیت جهانی، رویکردها و نظریه ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- نگاهی به الگوی موازنه در ترتیبات جدید امنیتی خلیج فارس، روزنامه کیهان ۸۷/۷/۳، برگرفته از:

<http://www.bashgah.net/fa/content/show/25843>

- نعیمی ارفع بهمن (۱۳۷۰) مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل
- واعظی محمود (۱۳۸۵) ترتیبات امنیتی خلیج فارس، مجله راهبرد، شماره ۴۰، تهران، موسسه مطالعات راهبردی
- همو، جغرافیای سیاسی تنگه هرمز: توسعه تدریجی نقش ایران (دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰)، ترجمه محسن صغیرا، اصفهان ۱۳۷۱ ش
- همو، خلیج فارس: کشورها و مرزها، تهران ۱۳۷۹ ش؛ همو، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران ۱۳۷۲ ش

• هوشنگ امیر احمدی، سیاست خارجی منطقه ای ایران ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۲ - ۷۱

• هوشنگ امیر احمدی، ایران و خلیج فارس دیدگاه ها و مسائل استراتژیک

- Alan Larson, 2004. "Geopolitics of Oil and Natural Gas, Economic Perspective, May 2004 <http://usinfo.state.gov/journals/ites//0504/ijee/larson.htm>
- Kemp, Geoffrey. (2000) THE New (and Old) Geopolitics of The Persian Gulf, April 2000 ,vol.6 No.1 The Newsletter of FPRI's, wachman Center
- Sajedi, Amir (2009), Geopolitics of the Persian Gulf security: Iran and United States, IPRI journal IX, no.2
- Fuller, Graham e., February 16, 2011 "Bahrain Blowback", at: <http://www.nytimes.com>
- Alsis Peter, Allison Marissa & Cordesman Anthony H, March 2012, "U.S. and Iranian Strategic Competition in the Gulf States and Yemen", at: [www.csis.org/files/publication/120228\\_Iran\\_Ch\\_VI\\_Gulf\\_State.pdf](http://www.csis.org/files/publication/120228_Iran_Ch_VI_Gulf_State.pdf)
- "Egypt's Violence heightens Concern About Growing Salafi Role", Christian Science Monitor, 10 May 2011, at: <http://www.csmonitor.com/World/Middle-East/2011/0510/Egypt-violence.heightens-conc>